

Content, Aesthetic and Linguistic Analysis of Iranian Young Adults' Resistance Poetry: A Case Study of "Mesle Zohr-e Ashura" Collection of Poems by Hamid Honarjo

SeyedeH Somayeh Mousavi Fard*, Seyed Mehdi Rahimi**, Mohammad Behnamfar***, Aliakbar Samkhaniani****

Abstract

Persian poetry is one of the most important tools for making people aware of their destiny and encouraging them to be resistant, especially to domestic tyranny and foreign colonialism. The impact of poetry on the world of young adults, who are in the critical period of growth and maturity, is undeniable. One of the types of literature that plays a significant role in shaping the character and identity of young adults is poetry. Apart from the description of the war and the themes and components related to it such as national unity to face the enemy, sacrifice, awareness, resistance, bravery of the warriors and praise for martyrs, Iranian young adults' resistance poetry describes post-war issues and themes such as waiting for the return of prisoners, the patient life of veterans and captives and their families, and especially pacifism. Using a descriptive-analytical method, this article deals with the content, aesthetic, and linguistic analysis of "Mesle Zohr-e Ashura" ("*Like the Afternoon of Ashura*"), a collection of poems by Hamid Honarjo. The results of this research show that since this collection is related to the post-war period, the poet expresses themes such as martyrs and martyrdom, the bombing of cities and the martyrdom of mothers and children, as well as remembering martyrs, fighters and veterans. In the aesthetic part, this kind of poetry has taken steps to describe features of resistance in young adults' poetry using literary devices and innovation, often with tangible and sensual imagery. In the linguistic analysis, words and compounds are examined, which shows compounds are used more than words, because it is much easier for teenagers to convey their intended meaning in one sentence.

Keywords: Resistance Literature, Resistance Poetry, Iran's Teenage Poetry, Mesle Zohre Ashura, Hamid Honarjo

*Ph.D. student of Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran. s.moosavifard@birjand.ac.ir

**Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran. (Corresponding Author) smrahimi@birjand.ac.ir

***Professor of Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran. behnamfar@birjand.ac.ir

****Associate Professor of Persian Language and Literature, University of Birjand, Birjand, Iran. asamkhaniani@birjand.ac.ir

How to cite article:

Mousavi Fard, S. S., Rahimi, S. M., Behnamfar, M., & Samkhaniani, A. (2023). Content, aesthetic and linguistic analysis of Iranian childrens and teenagers poetry Relying on the collection of teenage poems «Mesle Zohar Ashura» by Hamid Honarjo. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 2(1), 109-128. doi: 10.22077/jrcrl.2023.6866.1069





تحلیل محتوایی، زیبایی‌شناختی و زبانی شعر پایداری نوجوان ایران با تکیه بر مجموعه شعر «مثل ظهر عاشورا» از حمید هنرجو

سیده سمیه موسوی فرد*

سید مهدی رحیمی**

محمد بهنام فر***

علی اکبر سام خانیانی****

چکیده

شعر فارسی از مهم‌ترین ابزارها برای بیداری مردم نسبت به سرنوشت خویش و تشویق آنان به پایداری به‌خصوص در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی است. میزان تأثیرگذاری شعر بر دنیای نوجوان، که در دوره حساس رشد و بلوغ قرار دارد، غیرقابل انکار است. یکی از انواع ادبی که در شکل‌دهی شخصیت و هویت نوجوان نقش قابل توجهی دارد، شعر پایداری است. شعر پایداری نوجوان ایران علاوه بر توصیف جنگ، مضامین و مؤلفه‌های مرتبط با آن چون اتحاد و عزم ملی برای مقابله با دشمن، ایثار، بیداری، تشویق به مقاومت، بیان رشادتهای رزمندگان و ستایش شهیدان و بعد از جنگ، مضامین دیگری چون انتظار بازگشت اسرا، زندگی صبورانه جانبازان و اسیران و خانواده‌های آنها و به‌ویژه صلح‌گرایی را در خود منعکس می‌سازد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تحلیل محتوایی، زیبایی‌شناختی و زبانی دفتر شعر «مثل ظهر عاشورا» از حمید هنرجو می‌پردازد. نتایج این جستار نشان می‌دهد از آنجایی که این مجموعه به بعد از جنگ مربوط است، شاعر به بیان مضامینی چون شهید و شهادت، توصیف بمباران شهرها و شهادت مادران و کودکان و همچنین یادکرد شهدا، رزمندگان و جانبازان می‌پردازد. در بخش زیبایی‌شناختی نیز شاعر شعر نوجوان با استفاده از علم بیان و بدیع، اغلب با

s.moosavifard@birjand.ac.ir

*دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

smrahimi@birjand.ac.ir

**دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران (نویسنده مسئول)

mbehnamfar@birjand.ac.ir

***استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

asamkhaniani@birjand.ac.ir

****دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۱

تصویرسازی‌هایی ملموس و حسی، برای تفهیم مؤلفه‌های پایداری در شعر نوجوان گام برداشته است. در تحلیل زبانی، واژگان و ترکیبات در شعر نوجوان بررسی که بیشتر از ترکیبات استفاده شده است، چون برای نوجوان بسیار راحت‌تر است در یک جمله بار معنایی خود را برساند.

کلیدواژه‌ها: ادبیات پایداری، شعر پایداری، شعر نوجوان ایران، مثل ظهر عاشورا، حمید هنرجو.

۱- مقدمه

یکی از گونه‌هایی که در ادبیات مطرح می‌شود، ادبیات پایداری است. این نوع ادبی را می‌توان در ادبیات بیشتر ملت‌ها مشاهده کرد که نه تنها به ترویج اراده ملت برای مقاومت در برابر ظلم و ستم می‌پردازد، بلکه در تعالی ارزش‌های انسانی و اجتماعی ملت‌ها نیز مؤثر است.

ادبیات پایداری سروده‌ها و نوشته‌هایی را شامل می‌شود که مردم را به مبارزه و پایداری در برابر هرگونه تعدی و استبداد و ظلم دعوت می‌کند و هدف از آن، دعوت به مبارزه، ستایش آزادی و آزادی‌خواهان، ترسیم چهره بیدادگران، نمودن افق‌های روشن پیروزی، انعکاس مظلومیت مردم، بزرگداشت و ستایش مردم مبارز و شهدای راه آزادی و وطن و... است (کریمی لاریمی، ۱۳۸۸: ۴۴) و در نگاهی کلی می‌توان گفت که در این نوع ادبی، تعهد محوری، توجه به مردم، توجه به تحولات و تلاطمات اجتماعی و ستم‌ستیزی برجستگی بیشتری دارد (امیری خراسانی، ۱۳۹۳: ۱۴).

این نوع ادبی در شکل‌دهی شخصیت و هویت نوجوان نقش قابل توجهی دارد (ابراهیم تبار، ۱۳۹۶: ۷) و در گسترش بینش نوجوانان درباره حیات مادی و معنوی جسم و روح از یک سو و پیشبرد ارزش‌هایی چون شهادت و مقاومت از دیگر سو، می‌تواند نقش مؤثری داشته باشد.

شعر پایداری نوجوان، شعری است که مخاطب خاص آن نوجوان باشد، نوجوانی که پایه‌پای سایر اقشار جامعه در برابر ناراستی‌ها مقاومت می‌کند و سعی دارد تا در پایه‌گذاری جامعه آرمانی نقش مؤثری ایفا نماید. سراینده چنین شعری ممکن است نوجوان باشد و یا ادیبانی باشند که گرچه نوجوان نیستند، اما مسئولیت احساس می‌کنند و می‌کوشند که در تکوین شخصیت نوجوانان نقش داشته باشند. جواد محقق، جعفر ابراهیمی (شاهد)، سلمان هراتی، بیوک ملکی، قیصر امین‌پور، حمید هنرجو، افشین علا، محمدکاظم مزینانی و محمد گودرزی دهریزی از جمله این شاعران هستند که در دهه‌های اول و دوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی در زمینه تولید و نشر شعر پایداری نوجوان فعالیت نمایانی داشته‌اند.

حمید هنرجو یکی از شاعران برجسته در ادب پایداری شعر نوجوان است که در این

تحقیق با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی محتوایی، زیبایی‌شناختی و زبانی یکی از دفاتر شعر او، دفتر شعر مثل ظهر عاشورا (۱۳۷۶) پرداخته می‌شود. او از شاعران تأثیرگذار در عرصه شعر کودک و نوجوان کشور محسوب می‌شود.

هنرجو در شهرستان ملایر متولد شد و سرودن اشعار مختلف را از کودکی آغاز کرد و در دهه سوم زندگی به اوج شکوفایی رسید. از آثار ادبیات پایداری نوجوان او می‌توان کوچه فرشته‌ها (۱۳۷۶)، رنگ دل‌تنگی (۱۳۷۵)، مثل ظهر عاشورا (۱۳۷۶) و سوار بر ابرها (۱۳۸۲) را نام برد. نگارندگان این پژوهش، دفتر شعر مثل ظهر عاشورا را که در سال ۱۳۷۶ حوزه هنری چاپ و منتشر کرده، بررسی کرده‌اند و همه نمونه‌ها از این دفتر نقل شده است. سؤالات تحقیق عبارت‌اند از:

۱. مؤلفه‌های محتوایی، زیبایی‌شناختی و زبانی به‌کاررفته در شعر پایداری مجموعه مثل ظهر عاشورا چیست؟
- ۲- هریک از جنبه‌های سه‌گانه فوق در این مجموعه شعری چگونه به‌کاررفته‌اند؟

۱-۱- پیشینه پژوهش

بررسی‌های به‌عمل‌آمده در منابع اطلاعاتی نشان می‌دهد، درباره اثر مثل ظهر عاشورا از حمید هنرجو پژوهش مستقلی ارائه نشده است، اما درباره ادبیات پایداری و به‌ویژه شعر پایداری نوجوان پژوهش‌هایی ارائه شده است که در ادامه معرفی می‌شوند:

- علی محمدیان (۱۳۸۸) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور تهران با عنوان «بررسی و تحلیل موضوع شهید و شهادت در شعر کودک و نوجوان دهه‌های هفتاد و هشتاد»، اطلاعات کلی از جمله پیشینه، تعریف، ویژگی‌های ادبیات کودک و نوجوان را مطرح کرده و سپس به کتابشناسی آماری و بررسی و تحلیل کتاب‌های شعر کودک و نوجوان با موضوع شهید و شهادت در دهه ۷۰ و ۸۰ پرداخته است.

- علی ارمغان (۱۳۹۵) در رساله دکتری «جریان‌شناسی شعر کودک و نوجوان ایران» از دانشگاه کاشان نیز جریان‌های شعر کودک و نوجوان ایران را بر اساس مکاتب ادبی به کلاسیسم، رمانتیسم و سمبولیسم تقسیم‌بندی کرده است.

- معصومه نصرتی (۱۳۸۸) نیز در پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا با عنوان «بررسی نمادها در شعر کودک و نوجوان دفاع مقدس دهه ۶۰ و ۷۰»، پس از بیان کلیاتی درباره ادبیات کودک و نوجوان و تأثیر جنگ بر این‌گونه ادبیات و نماد و انواع آن، به بررسی نمادها در چند مجموعه شعری کودک و نوجوان معاصر ایران پرداخته است.

- مهدی حجوانی (۱۳۹۴) در مقاله «فراز و فرودهای شعر کودک و شعر نوجوان ایران در سه دهه پس از انقلاب»، وضعیت شعر کودک و نوجوان ایران را در سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی (دهه‌های ۶۰ تا ۸۰) و تغییرات در شعر هر دوره را به‌طور کلی

بررسی می‌کند.

- مقاله «موشکی که کاغذی نبود» از انسیه موسویان در کتاب سیزدهم (مجموعه مقالات سیزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس سال ۱۳۸۹) که در آن از لحاظ موضوعی و ساختاری توضیحات و تحلیل‌هایی درباره شعر کودک و نوجوان دفاع مقدس آمده است؛ علاوه بر این در کتاب پانزدهم (مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس سال ۱۳۹۰)، مریم اسلامی در مقاله «از میان آتش و باروت» به نوآوری‌ها در شعر کودک و نوجوان جنگ و پس از جنگ نظری داشته و با آوردن نمونه‌هایی مضامین و نوآوری‌ها را تحلیل کرده است.

- از مجموعه انتشارات ایران نیز می‌توان نشر سوره مهر را عنوان کرد که حدود ۲۱۸۰ عنوان کتاب را منتشر کرده است. یکی از این کتاب‌ها از عبدالمجید نجفی با عنوان زیرگنبد کبود (۱۳۹۰) است که در آن پس از بحث درباره شعر کودک و نوجوان، با محوریت پنج‌تن از شاعران شاخص این حوزه به تحلیل صورخیال در شعر کودک و نوجوان می‌پردازد؛ البته نویسنده در این کتاب ادبیات کودک و نوجوان را به‌طور کلی مورد توجه قرار داده و ادبیات پایداری نوجوان در مجموعه شعر مثل *ظهر عاشورا* به‌طور مجزا و مستقل مبنای تحقیق او نبوده است.

۲- بحث و بررسی

۲-۱- تحلیل محتوایی کتاب *مثل ظهر عاشورا*

ادبیات بازتاب عواطف و احساسات من شاعر یا من نوعی او در مقابل امور مختلف از جمله سنت‌ها، اخلاق، محیط زندگی و... است که هر کدام از آن‌ها می‌تواند به‌تنهایی یا در پیوند با سایر امور، محتوای اثر ادبی را تشکیل دهد؛ در واقع مقصود از محتوا، موضوعات شعری و نوع افکار و عواطف و حالات شاعران و مقاصدی است که در کلام بیان می‌کنند.

در مجموعه *مثل ظهر عاشورا*، به‌طور معمول در هر شعر ابعاد و موضوعات مختلف مرتبط با ادبیات پایداری در کنار هم مطرح شده است. در این میان آنچه بیشتر جلب توجه می‌کند و می‌تواند به‌عنوان موضوعات محوری ادبیات پایداری این مجموعه مطرح شود عبارت‌اند از: تمجید از شهادت و شهادت‌طلبی و امام شهدا (امام خمینی ره)، یادکرد رزمندگان، شهیدان، شهیدان نوجوان و پدرانی که خود شهید شده‌اند، بزرگداشت اسراء، جانبازان و بیان حالات پدران و مادران و فرزندان‌شان و یادکرد معلمان شهید، به‌خصوص در آن بخش از شعر پایداری نوجوان که شاعر از زبان یک نوجوان به موضوعات می‌نگرد، بیشتر به یاد پدر شهید، بمباران و یادکرد عزیزانی می‌پردازد که او از نزدیک با آن‌ها در ارتباط بوده و اکنون آن‌ها را از دست داده است و همچنین به توصیف آن‌ها یا حال و هوای

خود در آن محیط اشاره دارد.

۲-۱-۱- شهادت و شهادت‌طلبی و یادکرد شهدا و اسرا

شهادت و شهادت‌طلبی بخشی از عالی‌ترین مفاهیم شعر انقلاب است. شاعران به مجاهدان صحنه‌های نبرد عشق می‌ورزند و موضوع شهادت را ارزش برتر معرفی می‌کنند. (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۶) در کتاب *مثل‌ظهر عاشورا* که پس از جنگ انتشار یافته است، مانند دیگر آثار دفاع مقدس، یادکرد شهدا و اسرا دیده می‌شود. داده‌های تحقیق نشان می‌دهد که حدود ۱۹ درصد از اشعار این مجموعه به موضوع شهادت اختصاص دارد که برخی از نمونه‌های آن بررسی می‌شود:

در ابتدای شعر **به خانه‌ات خوش آمدی** که یادکرد دوست شهیدش است، با دیدن رزمنده‌ای که از اسارت برگشته است و شباهتی که به شهید دارد، می‌گوید «نشسته در کنار دوستم حسین، بین قیافه‌اش چقدر آشناست، خدای من چقدر شبیه مرتضاست» (هنرجو، ۱۳۷۶: ۶). همچنین زمانی که مادران در حال اشک ریختن هستند «ستاره‌های اشک، حلقه بسته‌اند در آسمان چشمان مادرش» یادبود شهدا را نیز به ذهن متبادر می‌کند، شهادتی که پیکر آن‌ها به خانه بازگشته است.

در شعر **مشق‌هایش را مرتب می‌نوشت**، از شهید نوجوانی یاد می‌کند که جلوتر از زمان خود بوده و بیشتر از سن خودش متوجه اوضاع و مسائل مختلف می‌شده است. شاعر در «او کتاب فصل‌ها را دوره کرد، بر تنش پیراهنی از برگ داشت» توجه می‌دهد که این شهید، با طبیعت و مردم ارتباطی قوی داشته است: «آسمان را از ته دل دوست داشت، چشم‌هایش خانه گنجشک بود» و «هم‌زبان چشمه‌ساران بود» (همان: ۲۳) و بر فقدانش تأسف می‌خورد و چنین می‌سراید که: «حیف هم‌کلاشش پونه را تنها گذاشت» (همان).

حمید هنرجو نیز در شعر **پرستاره بود آن شب**، لحظات شهادت رزمندگان را توصیف می‌کند، همان لحظاتی که به قولی «بدیع‌ترین مضمونی است که در شعر شاعران جنگ متبلور می‌شود» (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۴۸) و نشان می‌دهد که رزمندگان در ادای وظیفه و پایداری در دفاع از ایدئال‌ها چگونه خود را به خدا نزدیک می‌دیده‌اند و شب قبل از شهادت چه راز و نیازهای صادقانه‌ای با خداوند داشته‌اند: «بوی بال می‌آمد از تمام سنگرها، شوق آسمان پر بود در سر کبوترها» یا در جای دیگر چنین می‌سراید: «بچه‌های رزمنده، با فرشته‌ها رفتند، چون پرنده‌ها با شوق تا خود خدا رفتند» (هنرجو، ۱۳۷۶: ۲۵).

۲-۱-۲- یادکرد پدر رزمنده و امام خمینی (ره)

در زمان جنگ، پدران بسیاری در جبهه حضور داشتند، به همین دلیل در شعر نوجوان دفاع مقدس از زبان کودکان و نوجوانانی اشعار بسیاری وجود دارد که پدرانشان در جبهه‌اند

و فرزندان‌شان از آن‌ها یاد می‌کنند و خاطره‌هایی از ارزش‌مداری و پایداری آنان در دفاع از آرمان‌ها بیان می‌کنند یا در برخی از شعرها یادبود پدری را مشاهده می‌کنیم که به شهادت رسیده است و اکنون از زبان فرزندش توصیف می‌شود. در این اشعار به‌کرات یاد امام خمینی (ره) هم مطرح و از ایشان هم به‌عنوان پدر معنوی شهدا و هم به‌عنوان یک فرد مقدس یاد می‌شود. شاعر در حدود ۲۵ درصد از اشعار دفتر مثل ظهر عاشورا به این موضوع پرداخته است.

شعر **عکس امام خندید**، یادکرد پدر رزمنده و امام خمینی (ره) را با هم دارد. در جایی می‌گوید: «بابای من هم آن وقت در جبهه جنگ می‌کرد، هر ماه نامه‌اش را یک قاصدک می‌آورد» (همان: ۷). به‌صورت واضح مشخص می‌شود، نوجوانی است که تازه به دوره نوجوانی رسیده است و اکنون با پیامی از جنگ به یاد پدر خود می‌افتد که در حال جنگیدن است. همچنین در قسمتی که گفته می‌شود: «عطر خوش بهاری، توی اتاق پیچید، در قاب سبزرنگش عکس امام خندید» (همان)، یادکرد امام خمینی (ره) است که به‌دلیل احترام و عزیز بودن ایشان در منازل قاب عکس‌شان را نگهداری می‌کردند و بخشی از دلتنگی‌هایشان را با تماشای او که پدر معنوی آن‌ها به‌حساب می‌آمد، از دل می‌زدودند. شعر **نامه بابا**، بیان عملکرد پدری است که در جبهه هم فرزند خود را فراموش نکرده است و به دنبال نشان دادن راه درست و تربیت دینی و اخلاقی او است. در مصراع «نمازت را بخوان، آقا محمد» فرزند نوجوان خود را به انجام تکالیف دینی راهنمایی می‌کند (همان: ۱۱).

در شعر **نجمه**، علاوه بر محتوایی که درباره بمباران دارد، از یادبود امام خمینی (ره) نیز غافل نمی‌شود. امامی که حامی و پناه کودکان است. در «زیر عکس کوچک امام نجمه با عروسکش به خواب رفت» یاد امام را یادآوری می‌کند (همان: ۱۳).

در شعر **قاب پرستاره**، یادبود شهیدی را می‌بینیم که همسر و فرزند نوجوانش به یاد او هستند: «نشستم مثل مادر کنار عکس بابا» (همان: ۱۹) و دل همسر و فرزند نوجوانش برای او تنگ شده است. شعر با بیان این‌که «تمام شاپرک‌ها برایش غصه دارند و گرفته رنگ اندوه در و دیوار خانه» (همان) به توصیف غم فراق و دوری از پدر می‌پردازد.

شعر **کوچه‌های بی‌بازی**، یادکرد پدری است که در جبهه حضور دارد و نوجوانش به دلیل ترس از بمباران و مشکلاتی که ایجاد شده است دلش می‌خواهد پدرش هر چه سریع‌تر به خانه بازگردد: «بچه‌های گهواره، بچه‌های لالایی، بچه‌های بی‌بی جان! کی به خانه می‌آیی» (همان: ۲۱).

۲-۱-۳ یادبود معلم شهید

در زمان جنگ، همه اقشار مردم به جنگ می‌رفتند. یکی از این اقشار معلمان بودند که

برای حضور در خط مقدم و مقاومت و پایداری در مقابل دشمن تا دندان مسلح، داوطلبانه در تمامی بخش‌های جنگ از خط مقدم گرفته تا پشت جبهه حضوری مؤثر داشتند. روشن است که این حضور و مقاومت، درسی حقیقی و عملی به دانش‌آموزان بود؛ دانش‌آموزانی که شخصیت آن‌ها در حال تکوین بود و برای آینده خود به دنبال الگوهای عملی بودند. ۶ درصد اشعار این دفتر شعر، در این موضوع است.

تمام شعر **یک نگاه مهربان**، توصیف و یادبود معلمی مهربان و دلسوز است که به شهادت رسیده است. در تمام بیت‌های آن معلمی وصف می‌شود که بسیار مهربان بوده و به همین دلیل در قطعه‌هایی مانند «مهربان مثل پدر ساده مثل روستاست»، «یک معلم، یک پدر با نگاهی مهربان» از معلمی یاد می‌کند که برای دانش‌آموزان خود مانند یک پدر بوده است (همان: ۱۰).

۲-۱-۴- توصیف بمباران و موشک‌باران و شهادت مادران و کودکان

بمباران مناطق مختلف کشور یکی دیگر از محتواهایی است که در اشعار دفاع مقدس به کار رفته است. در این مجموعه شعر، پرتکرارترین محتوای بیان‌شده (حدود ۳۱ درصد)، بیان صحنه‌های مختلف بمباران و روایت چگونگی ترسیدن کودکان و نوجوانان است؛ موضوع دیگری که در کنار این محتوا توصیف شده است شهادت مظلومانه مادران و کودکان است که از قربانیان اصلی بمباران هستند.

در شعر **نجمه**، بمباران شهر را با عبارت «آسمان شهر ما ناگهان پر از ستاره شد» به تصویر می‌کشد و همچنین به مادران و کودکانی را نشان می‌دهد که در کنار یکدیگر به شهادت می‌رسند و اینگونه توصیف می‌کند که به آسمان پر کشیده‌اند: «باز مادری در کنار بچه‌اش به سوی آفتاب رفت» (همان: ۱۳).

در شعر **ماهی سرخم مرد**، بمباران شهر را به تصویر می‌کشد: «باز هم شب آمد آسمان مشکی شد» یا در بیت پایانی می‌گوید: «چه شب تلخی بود، خانه‌ها ویران شد، بغض مادر ترکید، شهر بمباران شد» و این‌که یک نوجوان دلش می‌خواهد هر چه سریع‌تر این اتفاقات تمام شود، در شعر خود این‌گونه بیان می‌کند: «من دلم می‌خواهد روز با من باشد» و آرزو دارد که دوباره بتواند روشنایی و زیبایی‌ها را ببیند (همان: ۱۷).

در شعر **کوچه‌های بی‌بازی**، شاهد توصیف موشک‌باران شهر خرمشهر هستیم که در زمان جنگ آماج حمله دشمن قرار گرفته بود و بیشترین آسیب را مردم آن مناطق دیدند. در همان ابتدا با عنوان شهر خرمشهر «بچه‌های خرمشهر» به نام این شهر و در عبارت «موشکی نشست آن روز توی کوچه‌ای بن‌بست» به موشک‌باران خرمشهر اشاره دارد. همچنین محتوای شهادت کودکان و مادران را نیز در خود دارد و چنین می‌سراید: «طاهره به خون غلتید، من هنوز یادم هست» یا «پیش چشم یک مادر، یک پرنده پرپر زد» (هنرجو، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶).

۲۱). این شعر تنوع محتوایی دارد تا تمام ابعاد فاجعه‌باری را که جنگ ایجاد کرده است و نوجوانان و جوانان را تحت تأثیر قرار داده است به‌خوبی نشان دهد.

۲-۱-۵- یادکرد جانبازان

یادکرد جانبازان، یکی دیگر مؤلفه از مؤلفه‌ها و مضامین ادبیات دوران پس از جنگ است که شاعران دفاع مقدس از دردها و مشکلات جانبازان صحبت می‌کنند. در این مجموعه، جانبازان از زبان نوجوانانی که در جنگ شرکت کرده‌اند و اکنون فرمانده جانباز خود را دوباره می‌بینند، توصیف می‌شوند و از آرزوهایشان و این‌که علاقه دارند به برادران و هم‌زمان شهید خود پیوندند، سخن به میان می‌آید. حدود ۱۹ درصد از اشعار این مجموعه به بیان این مضمون می‌پردازد.

در شعر **شب‌ی پرواز کن**، فرمانده‌ای با ایمان توسط یک نوجوان با کلمات ساده و روان توصیف می‌شود: «میان جبهه یادم هست، ای خوب، تو با ایمان‌ترین فرمانده بودی» و این فرمانده با جانبازی از جبهه بازگشته است: «اگرچه دست‌هایت ناتوان است، اگرچه خوب من! یک پاندری» ولی دلش پیش برادران شهید خود جامانده و از تنهایی در میان مردم رنج می‌برد و می‌خواهد دوباره در کربلا بودن را حس کند: «دلت مثل کبوتر، چند وقتی است، میان شهر ما تنها نشسته، شبی پرواز کن تا کربلا باز، اگرچه بال‌های تو شکسته» (همان: ۱۵).

۲-۲- تحلیل زیبایی‌شناختی

آنچه ذیل تحلیل زیبایی‌شناختی قرار می‌گیرد، همه شگردهایی است که باعث جاذبه و تأثیر کلام می‌شود و شامل تمهیداتی است که با استفاده از تکرار، خیال، تناسب و امکانات زبانی محقق می‌شود و ما این امور را به‌ترتیب در علوم بلاغی شامل معانی، بیان، بدیع و عروض دسته‌بندی می‌کنیم. در ادامه بحث، برخی از تمهیدات شاعر که در حوزه خیال (بیان) جای می‌گیرد، بررسی می‌شود.

«آنچه حوزه عمومی خیال شاعرانه را تشکیل می‌دهد، همان مباحث اصلی و گسترده‌ای است که در چهار بحث مجاز، استعاره، تشبیه و کنایه و دگرگونی‌ها و شاخه‌های هر کدام وجود دارد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۲۴).

شایان ذکر است که عناصر هنری به‌کاررفته در این دفتر هنرجو، بیشتر ملموس و حسی است که نشانه رده سنی ابتدایی نوجوانی است که هنوز با محیط اطراف خود بیشتر به‌صورت حسی در ارتباط است. به‌صورت کلی عناصر زیبایشناختی در ادبیات پایداری نوجوان برای نشان دادن حال و هوای کودک و نوجوانی است که نمی‌تواند به‌صورت کاملاً عقلانی با این موارد ارتباط برقرار کند و به همین دلیل از عناصری استفاده می‌شود

که بیشتر با حس او قابل درک است.

۲-۲-۱- تشبیه

تشبیه «مانند کردن چیزی یا کسی به چیزی یا کسی دیگر، بر بنیاد پیوندی که به پندار شاعرانه در میان آن دو می‌توان یافت» (کزازی، ۱۳۷۵: ۴۰). در این مجموعه تشبیه‌ها بیشتر به صورت اضافه تشبیهی به کار رفته‌اند. شاعر، موارد مختلف از محسوسات را به یک بخش به خصوص طبیعت تشبیه کرده است و به همین دلیل اغلب از نوع تشبیه حسی به حسی بهره می‌گیرد، چراکه همچنان که قبلاً بیان شد، نوجوانان بیشتر با مسائل حسی در ارتباط هستند و می‌خواهند مسائل عقلی را به جنبه‌های حسی قابل درک و دیدن تبدیل کنند؛ از طرف دیگر نوجوانان در حال تجربه و درک احساسات مختلف هستند. بنابراین، تشبیه‌های حسی می‌توانند برای آن‌ها راه ورود به دنیای شعر را هموار سازد و آن‌ها را به سمت مطالعه و تحلیل شعر جذب نماید.

تشبیه بلیغ و محسوس به محسوس «ستاره‌های اشک» در شعر **به خانه‌ات خوش آمدی**، به این دلیل که اشک را به ستاره‌های درخشانی تشبیه کرده است و نیز تشبیه بلیغ و محسوس به محسوس «آسمان چشم‌های مادرش» (هنرجو، ۱۳۷۶: ۶) در شعر **به خانه‌ات خوش آمدی** که در آن چشمان مادرش را به آسمان تشبیه کرده است و ترکیب اضافی «باران اشک شادی» (همان: ۷)، در شعر **عکس امام خندید** که اشک‌های از سر شادی را به باران تشبیه کرده است و نیز «عنکبوت ترس» در شعر **نجمه**، (همان: ۱۳)، «ولی در سینه‌ات نور امید است»، «دلت مثل کبوتر چند وقتی است» (همان: ۱۵)، «حوض نگاهم» (همان: ۱۹)، «چون پرنده‌ها با شوق تا خود خدا رفتند» (همان: ۲۵) که رزمندگان شهید را به پرندگان تشبیه کرده است که تا خدا پرواز کرده‌اند.

۲-۲-۲- استعاره

استعاره یا مانندگویی، یک روش فن بیان است که در آن یک واژه، عبارت، یا جمله به جای چیز دیگری بر اساس شباهت بین آن‌ها آورده می‌شود (شمیسا، ۱۳۸۳: ۴۰). در ادبیات پایداری به‌ویژه در بخش نوجوان به این روش توجه بیشتری شده است چراکه نوجوانان تازه به بلوغ حسی رسیده‌اند و بیشتر از کلمات و جملات محسوس بار معنایی دیگری را دنبال می‌کنند و جهان را به شیوه خود درک می‌کنند (شعاری‌نژاد، ۱۳۷۴: ۱۱).

در شعر **عکس امام خندید**، در «چشمان مادرم شد لبریز از ستاره» که ستاره، استعاره از اشکی است که برای نوجوان مانند ستاره‌ای در شب می‌درخشد و این‌گونه توانسته این حس را توصیف کند (هنرجو، ۱۳۷۶: ۷).

در شعر **نجمه**، شاعر می‌گوید: «آسمان شهر ما ناگهان پر از ستاره شد» که ستاره

استعاره از بمباران است خانواده‌ها معمولاً بمب‌ها را به موارد دیگری توصیف می‌کرده‌اند تا فرزندانشان زیاد نترسند، همچنین در بخشی که می‌گوید: «باز مادری کنار بچه‌اش سوی آفتاب رفت» به نظر نوجوان سوی آفتاب رفتن، استعاره از شهادت است؛ بر مبنای همان موضوعی که مرگ برای کودکان و نوجوانان، توصیف دیگری از زندگی است. به نظر می‌رسد خواب رفتن در عبارت «زیر عکس کوچک امام، نجمه با عروسکش به خواب رفت» استعاره از شهادت است چراکه خواب نیز نوع دیگری از مرگ است که در قرآن و احادیث نیز به آن اشاره شده است (همان: ۱۳).

در شعر **ماهی سرخم مرد**، عبارت «باز هم شب آمد آسمان مشکی شد»، مشکی شدن آسمان شب، استعاره از دود و بمباران است. قسمت «من دلم می‌خواهد روز با من باشد» استعاره از صلح دارد و این نکته را می‌توان یادآور شد که برای نوجوان تاریکی و روشنی شب، استعاره‌های ملموسی برای بمباران و صلح هستند (همان: ۱۷).

در شعر **قاب پرستاره**، شاعر از زبان یک نوجوان می‌گوید «شده حوض نگاهم پر از ماهی زیبا» که استعاره از اشک است و نوجوان اشک‌هایی را که برای پدر خود می‌ریزد به صورت دریای از ماهی می‌بیند و آن‌ها را به تصویر می‌کشد (همان: ۱۹).

در شعر **کوچه‌های بی‌بازی**، شاعر استعاره‌هایی برای توصیف وضعیت‌های مختلف به کار برده است که همه آن‌ها ملموس و حسی هستند. در بخشی که گفته می‌شود «غنچه‌های نشکفته، برگ زخم پیچک‌ها» شهادت کودکانی را که هنوز به سن بلوغ نرسیده‌اند به صورت استعاری به غنچه‌های نشکفته مانند کرده است، همچنین در عبارات «پیش چشم یک مادر، یک پرنده پرپر زد» به صورت حسی و ملموس به پرپر شدن یک پرنده که استعاره از کودکان و نوجوانان است، اشاره می‌کند (همان: ۲۱).

در شعر **مشق‌هایش را مرتب می‌نوشت**، شاعر کتاب فصل‌ها را در «او کتاب فصل‌ها را دوره کرد» استعاره از سال دانسته است، چون همان‌گونه که کتاب‌ها فصل‌بندی دارند، زندگی و سال‌های عمر نیز فصل‌های مختلفی دارند (همان: ۲۳).

در شعر **پرستاره بود آن شب**، در عبارت «شوق آسمان پر بود، در سر کبوترها» کبوتر را استعاره‌ای از رزمندگان می‌داند که تمایل دارند به آسمان بروند و در اینجا آسمان هم استعاره‌ای از شهادت است که نوجوان به این باور رسیده است که جایگاه فرد پس از مرگ در آسمان است (همان: ۲۵).

۲-۲-۳- استعاره مکنیه

یکی از زیباترین گونه‌های صورخیال در شعر، تصرفی است که ذهن شاعر در اشیا و عناصر بی‌جان طبیعت می‌کند و از رهگذر نیروی تخیل خویش، بدان‌ها حرکت و جنبش می‌بخشد و در نتیجه هنگامی که از دریچه چشم او به طبیعت و اشیا می‌نگریم همه چیز

در برابر ما سرشار از زندگی و حرکت و حیات است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۴۹). در اشعار نوجوانان و کودکان از این عنصر خیالی استفاده‌های بسیاری شده است، چون این رده سنی به تازگی با اطراف خود آشنا شده و از این که می‌بینند باقی موجودات هم مانند انسان رفتارهایی دارند، لذت می‌برند. کودک و نوجوان در این رده سنی علاقه زیادی به ارتباط‌گیری با اشیا و موجودات اطراف خود دارد و اعمال و رفتار انسانی را برای دیگر اشیا نیز متصور می‌شود و به آن‌ها نسبت می‌دهد.

در شعر **عکس امام خندید**، می‌گوید: «در قاب سبز رنگش عکس امام خندید» و از آنجایی که عکس یک شیء بدون جان است این تصویرسازی خیالی و جان بخشیدن به عکس، نوع نگاه نوجوان را می‌رساند که با قوه تخیل خود یک عکس بی‌جان را جان بدهد که گویا لبخند می‌زند (هنرجو، ۱۳۷۶: ۷).

در شعر **نجمه**، شاعر می‌گوید: «عنکبوت ترس در نگاه پنجره داشت تار می‌تیند» که در این عبارت شاهد جان‌بخشی به اشیا هستیم. پنجره را که شیء بی‌جانی است با خصلت انسانی نگاه کردن است درهم آمیخته است که گویا پنجره با چشمان خود به این وضع نگاه می‌کند و از ترس به خود می‌لرزد (همان: ۱۳).

در شعر **قاب پرستاره**، در عبارت «گرفته رنگ اندوه در و دیوار خانه»، این نوجوان برای خانه شخصیتی انسانی متصور شده است که مانند آدمی اندوهگین می‌شود و حتی برای نبودن پدر او بسیار اندوهگین است (همان: ۱۹).

در شعر **کوچه‌های بی‌بازی**، می‌گوید: «غنچه‌های نشکفته، برگ زخم پیچک‌ها»، زخم را برای گل‌های پیچکی به کار برده است که در بمباران از بین رفته‌اند و آن‌ها را مانند انسانی می‌داند که زخمی شده‌اند. همچنین در عبارت «در حیاط یک خانه گریه عروسک‌ها» یکی از خصایص انسانی را که گریه کردن است برای عروسک به کار برده است، چراکه هنوز در ابتدای نوجوانی است و برای عروسک‌ها مانند انسان‌های بزرگ حرف می‌زند و گمان می‌کند آن‌ها نیز از ترس گریه می‌کنند. در عبارت «کوچه‌های بی‌بازی، خانه‌های بی‌لبخند» هم به کوچه و خانه جان بخشیده و کوچه‌ها و خانه‌هایی که دیگر در آنها خبری از بازی و لبخند کودکان و نوجوانان نیست (همان: ۲۱).

در **مشق‌هایش را مرتب می‌نوشت**، شعر توصیف یک نوجوان شهید است که در عبارت «با قناری شعر باران می‌نوشت، در کتاب شعر کاج بی‌ریا»، بی‌ریا بودن را به یک کاج نسبت داده است (همان: ۲۳).

در شعر **پرستاره بود آن شب**، می‌گوید: «روی شانهام می‌خورد، دست‌های نرم باد» که در اینجا برای باد دست‌های نرمی متصور شده است که او را لمس می‌کند و این جان‌بخشی به دلیل وزن نرم باد است زمانی که به انسان می‌خورد و او این برخورد ملایم باد را مانند نوازش دست‌های یک انسان دانسته است (هنرجو، ۱۳۷۶: ۲۵).

۲-۲-۴- نماد

نماد از منظر علوم بلاغی کلمه، عبارت و یا جمله‌ای است که علاوه بر معنای ظاهری، طیف معنایی گسترده‌ای به خواننده القا کند؛ عمل به‌کارگیری یا شیوه به کار بردن، پردازش و تبدیل مفاهیم به نماد را «نمادپردازی» گویند؛ در واقع نمادپردازی، مجموعه مراحل و تبدلات فرآیند تکوین یک ساختار نمادین است؛ با این توصیف نمادپردازی در برابر «Symbolization» قرار می‌گیرد (قبادی، ۱۳۸۸: ۴۴).

در اشعار پایداری نوجوان سعی شده است که نماد در تمام دفاتر شعری مانند هم و بیشتر از نوع ملموس و همیشگی باشد و موضوعات واحدی را به این صورت بیان کرده‌اند؛ زیرا در زمان جنگ و بعد از آن برخی از اصطلاحات و کلمات به صورت نمادین در وصف شهدا و موضوعات مختلف ایجاد شدند که در دفاتر شعری نیز آورده شده‌اند.

در شعر **عکس امام خندید**، می‌گوید: «آن روز رادیو گفت آلاله‌ها دمیدند» که در اینجا لاله نماد همیشگی شهدا هستند که همواره گفته می‌شد از خون هر شهید یک لاله روییده می‌شود و این نماد فقط همین معنی را در ذهن‌ها متبادر می‌کند (هنرجو، ۱۳۷۶: ۷). همچنین در شعر **قاب پرستاره**، در عبارت «برای او که یک روز به شهر لاله‌ها رفت» باز هم لاله نماد شهدا است (همان: ۲۰). در شعر **کوچه‌های بی‌بازی**، گفته است که «لاله قشنگی زود از دل زمین سرزد» که باری دیگر لاله نماد فرد شهیدی است که با شهادت او یک لاله رشد کرده است (همان: ۲۱). در شعر **پرستاره بود آن شب**، «دسته‌دسته می‌رویید لاله در دل صحرا»، لاله را نمادی از شهدا دانسته است که با شهادت رزمنده‌ها لاله‌های بسیاری روییده‌اند (همان: ۲۵).

در شعر **ماهی سرخم مرد**، شاعر در عبارت «باز هم شب آمد، آسمان مشکی شد» و در قسمت دیگر «من دلم می‌خواهد روز با من باشد»، مشکی شدن آسمان را نمادی از ترس می‌داند؛ زیرا شب همواره برای کودکان و نوجوانان ترسناک بوده و به دنبال گوشه‌ای از روشنایی بودند؛ همچنین روز را نمادی از صلح می‌داند به این دلیل که صلح با خود روشنایی و امید می‌آورد و این بهار خواب‌های تاریکی شب را از بین می‌برد (همان: ۱۷).

۲-۲-۵- کنایه

کنایه یکی از صورت‌های گوناگون خیال و شیوه ادای معانی به طریق غیرمستقیم است (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۰: ۱۳۹). کنایه از نوع صورخیالی است که در یک جمله یا یک ترکیب به کار می‌رود و الفاظ همه حقیقی و ملموس‌اند، اما مقصود گوینده معنای حقیقی و ظاهری آن نیست. در زمینه جنگ، کنایه‌هایی به زبان ساده و روان برای یک نوجوان در شعر پایداری بیان شده است بدون آنکه او مقصود این را داشته باشد که آن جمله را به صورت کنایه‌ای بیان کند چراکه نوجوان در باور خود و تصویرسازی‌هایی که دارد آن

موضوع را همان قدر ساده و ملموس می‌بیند و درک می‌کند.

در شعر **یک نگاه مهربان**، گفته است: «خانه‌اش اما کجاست؟ در دل رنگین‌کمان» و این موضوع کنایه از شهادت معلم است و برای این‌که وفات یا شهادت یک نفر را برای کودکان و نوجوانان توصیف کنند، گفته می‌شد به آسمان رفته یا می‌توانی او را در رنگین‌کمان ببینی، به همین دلیل معلم شهید در ذهن این نوجوان برای خود خانه‌ای در رنگین‌کمان دارد (هنرجو، ۱۳۷۶: ۱۰).

در شعر **مشق‌هایش را مرتب می‌نوشت**، چنین می‌سراید: «بر تنش پیراهنی از برگ داشت» که تصویر دور این معنی کنایه‌ای از شادابی و سرزندگی آن نوجوان است، چون برگ و سرسبزی کنایه‌ای از شادابی را در پی دارند؛ همچنین در عبارت «در دلش یک آسمان خورشید داشت» کنایه از رقیق‌القلب بودن و صافی و روشنی نوجوان شهید است؛ زیرا با آمدن خورشید همه چیز به صورت شفاف و روشن دیده می‌شود و در بخش «همکلاسش پونه را تنها گذاشت» کنایه از به شهادت رسیدن این نوجوان است که دیگر باز نمی‌گردد (همان: ۲۳-۲۴).

در شعر **پرستاره بود آن شب** نیز در بخشی که می‌گوید: «بچه‌های رزمنده با فرشته‌ها رفتند» کنایه‌ای ملموس از به شهادت رسیدن رزمنده‌ها دارد که نوجوان با تصویرسازی خیالی خود فکر می‌کند این معنی را به وجود آورده است (همان: ۲۵).

۲-۳- تحلیل زبانی

تحلیل زبانی از عناصری است که با استفاده از واژگان و ترکیب‌ها به توصیف موقعیت‌های مختلف می‌پردازد. به این‌گونه که با برخی از واژگان یک شعر متوجه محیط حاکم در آن زمان و در آن شعر می‌شویم، همچنین گاهی ترکیب‌هایی توسط شاعر بیان می‌شود که بیان‌کننده حال و هوای حاکم بر آن موقعیت یا آن فرد است. در شعر پایداری نوجوان نیز واژگان و ترکیب‌های حسی و ملموسی متناسب با رده سنی نوجوان بیان شده است که اغلب نشان‌دهنده زمان جنگ و بمباران و ترس حاکم در آن زمان است.

در اشعار ترغیبی به‌خصوص در حوزه نوجوان چون جهت‌گیری پیام به سمت مخاطب است شاعر از کارکردهای زبانی پیچیده بهره نمی‌برد (امیری خراسانی، ۱۳۸۷: ۳۲). در همین راستا در این دفتر شعر، تحلیل زبانی در دو بخش مجزای واژگان و ترکیب‌ها بررسی شده است:

۲-۳-۱- واژگان

«به هر اندازه که ذهن ما از کثرت کلمات پربارتر باشد، به همان اندازه اندیشیدن برای ما آسان‌تر و مایه دادن به مایه خام اندیشه‌ای که ذهن از آن بار برداشته ممکن‌تر و بیان آنچه در ذهن گسترش یافته، سهل‌تر خواهد بود، چراکه اندیشیدن با کلمات صورت می‌گیرد»

(پورنامداریان، ۱۳۷۴: ۲۷۵).

در شعر **به خانه‌ات خوش آمدی**، برای نشان دادن تأثیر جنگ، که شهادت یا اسیر شدن است، فقط از واژگان استفاده کرده است و از بازگشت اسرا یا شهدا صحبت می‌کند؛ همچنین از کلمات «چقدر خوب و ساده حرف می‌زند»، می‌توان برداشت کرد که در سن نوجوانی به سر می‌برد، خجالتی است و به‌صورت داوطلبانه به جنگ رفته است و آن پاکی و صمیمت را هنوز در خود دارد. (هنرجو، ۱۳۷۶: ۶)

در شعر **عکس امام خندید**، از کلمات جبهه، رزمندگان اسلام، پیروزی، جنگ و عکس امام استفاده کرده است، واژگانی که زمان پرتلاطم جنگ را به تصویر می‌کشند. همه از رادیو به اخبار جنگ گوش می‌داده‌اند و تمام خانواده‌ها تحت تأثیر بازخوردها بوده‌اند. همچنین استفاده از کلمات ساده و روان و کاربرد نام پدر و مادر نشان‌دهنده زبان روان یک نوجوان است که حالات مختلف او را توصیف می‌کند (همان: ۷).

در شعر **شبی پرواز کن**، با بهره‌گیری از کلمات جنگ، جبهه، شهید، حمله و فرمانده زمان جنگ را توصیف می‌کند. در این شعر با استفاده از «اگر» به‌صورت دوره‌ای بر خصایص فرمانده خود تأکید دارد که اکنون اگر پا ندارد یا اگر چشمان او ضعیف است، در زمان جنگ چه توانایی‌ها و محاسنی داشته است. همچنین در پاره آخر شعر از تنهایی و ناراحتی فرمانده جانباز خود می‌گوید که دلش می‌خواهد به دوستان شهید خود برسد (همان: ۱۵). استفاده از کلمات زیارت‌نامه و کربلا نیز نشان‌دهنده این است که در آن زمان برای آرامش خود به این موضوعات متوسل می‌شده‌اند و در بسیاری از موارد، جنگ تحمیلی را مانند واقعه عاشورا می‌دانند و به همین دلیل برای یادآوری از این کلمات زیاد استفاده می‌شود (شریفیان و دیگران، ۱۳۹۱: ۴).

در شعر **قاب پرستاره**، استفاده از کلماتی مانند اشک، غصه داشتن، اندوه و آواز نخواندن پرنده، فضایی اندوهگین را به تصویر می‌کشد که نوجوان نمی‌تواند دوری پدر خود را تحمل کند و این مفهوم را با استفاده از کلمات ساده و روان بدون هیچ صورخیالی بیان می‌کند (هنرجو، ۱۳۷۶: ۱۹).

۲-۳-۲- ترکیب‌ها

کثرت ترکیبات از ویژگی‌های دیگر زبان شاعران پایداری است. گاه از ترکیب‌های گذشته استفاده می‌کنند و گاه تعداد زیادی از ترکیب‌ها را خود ایجاد می‌کنند و از این رهگذر به غنای زبان فارسی نیز کمک می‌کنند (مکارمی‌نیا، ۱۳۸۵: ۲۰۶).

در شعر **یک نگاه مهربان**، از ترکیب‌هایی با بار عاطفی، زیاد استفاده می‌شود، همچون: قاب قشنگ، مهربان مثل پدر، نگاهی مهربان که تمام این‌ها ترکیبی برای توصیف یک معلم از زبان دانش‌آموز او است که او را فردی دلسوز و مهربان مانند پدر خود می‌داند و حالا به شهادت رسیده است و جای او در تمام نقاط روستا خالی است (هنرجو، ۱۳۷۶: ۱۰).

در شعر **نامه بابا**، استفاده از واژگان ترکیبی کوتاه و ساده مانند «کبوتر بچه‌ام» نشان‌دهنده ذوق فرزند از نامه پدر است و کوتاه بودن کلمات نشان می‌دهد کودکی است که به تازگی وارد رده سنی نوجوانی شده است و پدر در نامه خود او را راهنمایی می‌کند تا به تکالیف شرعی خود عمل کند (همان: ۱۱).

در شعر **نجمه**، به‌طور کلی از ترکیبات و استعاره‌هایی استفاده شده است که ترس زمان بمباران را به ذهن متبادر می‌کند؛ مانند عنکبوت ترس، آسمان شهر پر از ستاره شد؛ همچنین گفتن عبارتی مانند «یا حسین» زمان عاشورا را به تصویر می‌کشد که سپاه یزید با حمله به خانواده‌ها ترس و وحشت ایجاد کرده بودند و باعث شهادت کودکان و نوجوانان بسیاری شدند. در زمان ترس عموماً مردم با کلماتی مانند «یا حسین» ترس خود را نشان می‌دهند (همان: ۱۳).

در شعر **ماهی سرخم مرد**، استفاده از جملات ترکیبی مانند: «آسمان مشکی شد، دل من می‌گیرد، گریه‌ام می‌گیرد از سیاهی خیلی، چشم من دریا شد، قلب گنجشک از ترس نزد، خانه‌ها ویران شد، بغض مادر ترکید» نمایی از اضطراب و ترس یک نوجوان را تداعی می‌کنند که از این شرایط ناراحت و غمگین است و دلش می‌خواهد هر چه سریع‌تر صلح برقرار شود و بتواند بدون نگرانی به بازی پردازد (همان: ۱۷).

در شعر **قاب پرستاره**، استفاده از ترکیب: «به شهر لاله‌ها رفت، سوار ابرها شد و به دیدار خدا رفت» به این موضوع بازمی‌گردد که معمولاً به کودکان، خبر درگذشت کسی را به‌طور واضح و صریح نمی‌دهند و با اصطلاحاتی مانند «پیش خدا رفته است یا در آسمان است» آن‌ها را با این موضوع آشنا می‌کنند (همان: ۱۹).

در شعر **کوچه‌های بی‌بازی**، استفاده از کلمات ترکیبی مانند «بچه‌های یا زهرا، بچه‌های عاشورا» اشاره به زمان عاشورا دارد و همانند اتفاقاتی است که در هشت سال دفاع مقدس افتاده است. همچنین استفاده از واژگان ترکیبی و حس آمیزی به اشیا مانند «کوچه‌های بی‌بازی، خانه‌های بی‌لبخند» زمان بمباران جنگ را به تصویر می‌کشد که کسی از ترس، بیرون از خانه‌ها به‌خصوص در مناطق جنگی مانند خرمشهر بازی نمی‌کرده و اکنون این نوجوان دلش برای زمانی تنگ شده که به راحتی در کوچه و خیابان‌ها با دوستانش بازی می‌کرده است (هنرجو، ۱۳۷۶: ۲۱).

در شعر **مشق‌هایش را مرتب می‌نوشت**، با جملات ترکیبی که در تمام شعر برقرار است نوجوانی را توصیف می‌کند که پر از امید و نشاط است و علاوه بر مهربانی دستی یاریگر و حمایت‌گرانه نسبت به تمام موجودات دارد مانند: «بر تنش پیراهنی از برگ داشت، جای نقطه، غنچه و گل می‌گذاشت، در دلش یک آسمان خورشید داشت» همچنین در جملاتی مانند «مشق‌هایش را مرتب می‌نوشت، با قناری شعر باران می‌نوشت، می‌شد از هر چیز با او حرف زد» نشان می‌دهد که در درس‌های خود بسیار موفق بوده و بیشتر از سن و سال خود می‌فهمیده است و به همین دلیل می‌توانستند با او به راحتی از هر

چیزی صحبت کنند و اکنون به شهادت رسیده است (همان: ۲۳-۲۴).

در شعر **پرستاره بود آن شب**، به‌طور کامل از ترکیباتی مانند: «جبهه بوی گل می‌داد، بوی بال می‌آمد، با فرشته‌ها رفتند، چون پرنده‌ها با شوق»، استفاده شده است که پاک‌ی رزمندگان و آمادگی آن‌ها برای شهادت را می‌رساند و این‌که همه آن‌ها شوق شهادت داشته‌اند. شاعر آوای «هَلْ مِنْ نَاصِرٍ يَنْصُرُنِي» حسین (ع) را از فراسوی تاریخ می‌شنود و سرپای وجودش لیک‌گویان این دعوت روحانی را احساس می‌کند» (راستگو، ۱۳۷۳: ۲۰۹). پس در این شعر شاعر با استفاده از کلمات «عاشورا، علی‌اصغر و علی‌اکبر» به نوجوانان و کودکانی اشاره می‌کند که در جبهه شرکت کرده بودند و با تمام شجاعت، در راه آرمان‌ها به شهادت رسیدند (هنرجو، ۱۳۷۶: ۲۵).

۳- نتیجه

در دفتر شعر «مثل ظهر عاشورا» که در زمینه ادبیات پایداری نوجوان است، حمید هنرجو به‌عنوان شاعری متعهد، اغلب به مؤلفه‌های محتوایی همچون یادبود پدر شهید و رزمنده توجه داشته است؛ زیرا یک نوجوان بیشتر از هر چیز در آن زمان به یاد پدر خود است و می‌خواهد در کنار او باشد. بعد از آن به یادکرد شهدا، اسرا و بمباران شهرها اشاره می‌کند؛ در پایان نیز فقط یادآوری از یادبود معلم شهید و جانبازان دیده می‌شود و از آن‌جا که هنوز زمان زیادی از پایان جنگ نگذشته است، به بخش جانبازان توجه زیادی نشده است.

در بخش زیبایی‌شناختی نیز، در این دفتر بیشتر از صورخیال ملموس و حسی استفاده شده است که متناسب با رده سنی نوجوانان است. استعاره‌های حسی ساده‌ترین نوع بیان احساسات هستند که نوجوانان می‌توانند از آن بهره ببرند؛ بنابراین، شاعر از استعاره بیشتر استفاده کرده است. همچنین کاربرد تشبیه در بخش دوم قرار دارد که اغلب از نوع تشبیهات عقلی به حسی هستند و نوجوان در این سن در آستانه فکر انتزاعی است. تشخیص نیز به دلیل این‌که نوجوان تازه به این رده سنی پا گذاشته است کارایی دارد و نوجوان به محیط اطراف خود جان می‌بخشد.

کنایه و نماد از بسامد کمتری دارند. نماد نیز به دلیل همراهی با تداعی‌های پیچیده ذهن و تصاویر دیرپاب، در شعر نوجوان کاربرد کمتری دارد؛ از طرف دیگر شالوده نوجوان این‌گونه طراحی شده که اغلب به دنبال زبانی صریح و مستقیم است و از ابهام و پیچیدگی دوری می‌کند.

در بخش تحلیل زبانی به‌صورت کلی شاعر، بیشتر از ترکیبات بهره برده است، چون برای نوجوان راحت‌تر است تا در یک جمله بار معنایی خود را برساند. در بخش واژگان نیز هم از واژه‌هایی چون «آلاله، رزمندگان، جبهه، بمباران و خون» بهره می‌گیرد تا فضای جبهه را به تصویر بکشد و نوجوان را به پایداری تشویق نماید و گاه با استفاده از واژه‌هایی

چون «روز، گرم و روشن، نامه، قهرمان و خورشید» امید پیروزی را در چشمان نوجوان زنده نگاه دارد.

کتابنامه

ابراهیم تبار، ابراهیم. (۱۳۹۶). «تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر سیمین بهبهانی». نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. س ۹. ش ۱۶. صص ۲۰-۲.

ارمغان، علی. (۱۳۹۵). «جریان‌شناسی شعر کودک و نوجوان ایران». رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان.

اکرامی‌فر، محمدرضا. (۱۳۹۰). کتاب پانزدهم. (مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس). تهران: صریح.

امیری خراسانی، احمد. (۱۳۸۷). نامه پایداری. (مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری کرمان). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

امیری خراسانی، احمد و هدایتی، فاطمه. (۱۳۹۳). «ادبیات پایداری؛ تعاریف و حدود». نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. س ۶. ش ۱۰. صص ۲۴-۴۱.

پورنامداریان، تقی. (۱۳۷۴). سفر درمه. تهران: زمستان.

حجازی، بنفشه. (۱۳۷۴). ادبیات کودک و نوجوان. تهران: روشنگران.

حجوانی، مهدی. (۱۳۹۴). «فراز و فرودهای شعر کودک و شعر نوجوان ایران در سه دهه پس از انقلاب اسلامی» (دب فارسی) (دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران). ۵۰. ش ۱. صص ۸۱-۱۰۰.

حدادی طاقانکی، نادعلی. (۱۳۸۸). «بررسی جلوه‌های دفاع مقدس در ادبیات کودک و نوجوان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد.

راستگو، سید محمد. (۱۳۷۳). «مجموعه مقالات سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی». تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

ریاحی، محمدمین. (۱۳۷۹). پایداری حماسی. تهران: مروارید.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی. ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

سلاجقه، پروین. (۱۳۸۵). از این باغ شرقی: نظریه‌های نقد شعر کودک و نوجوان. تهران:

کانون پرورش فکری کودک و نوجوان.

سنگری، محمدرضا. (۱۳۸۰). *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*. تهران: پالیزان.

سیف، سوسن و دیگران. (۱۳۸۸). *روانشناسی رشد ۱*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

شریفیان، مهدی و دیگران. (۱۳۹۱). «تجلی حماسه و عرفان عاشورایی در ادبیات انقلاب اسلامی ایران». *نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. س ۳. ش ۶. صص ۲۳۸-۲۵۷.

شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۷۴). *ادبیات کودکان*. تهران: مؤسسه اطلاعات.

شفعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۰). *صورخیال در شعر فارسی*. تهران: آگاه.

شمیسا، سیروس. (۱۳۸۳). *بیان و معانی*. تهران: فردوس.

صهبا، فروغ. (۱۳۸۴). «شعر پایداری: هنر مبارزه با دشمن سه‌گانه». *مجموعه مقاله‌های اولین کنگره ادبیات پایداری به کوشش احمد امیری خراسانی*. کرمان: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

عابدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). «بررسی ساختاری نماد در ادبیات عاشورایی». *نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان*. س ۸. ش ۱۴. صص ۱۷۲-۱۹۴.

قاسمی، حسن. (۱۳۸۳). *صورخیال در شعر مقاومت*. تهران: فرهنگ گستر.

قبادی، حسین‌علی. (۱۳۸۸). *آیین آئینه*. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.

کریمی لاریمی، رضا. (۱۳۸۸). *جلوه‌های ادبیات پایداری در سروده‌های شاعران مازندرانی*. ساری: مرکز انتشارات توسعه علوم.

کزازی، میر جلال الدین. (۱۳۷۵). *زیباشناسی سخن پارسی ۱*. چاپ پنجم. تهران: ماد.

گودرزی دهریزی، محمد. (۱۳۸۷). *ادبیات کودک و نوجوان ایران در سنامه دانشگاهی*. تهران: قوچاپار.

محمدیان، علی. (۱۳۸۸). «بررسی و تحلیل موضوع شهید و شهادت در شعر کودک و نوجوان دهه هفتاد و هشتاد». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور*. (بی‌جا).

محمدیان، علی. (۱۳۸۹). *کتاب سیزدهم (مجموعه مقالات سیزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس)*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

۱۲۸ پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی، دوره ۲، شماره ۱، پیاپی ۳، بهار و تابستان ۱۴۰۲

میرصادقی، میمنت. (۱۳۷۳). *واژه‌نامه هنر شاعری*. تهران: مهناز.

نجفی، عبدالمجید. (۱۳۹۰). *زیرگنبد کبود: صورخیال در شعر کودک و نوجوان*. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.

نصرتی، معصومه. (۱۳۸۸). «بررسی نمادها در شعر کودک و نوجوان». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا*.

هنرجو، حمید. (۱۳۷۶). *مثل ظهر عاشورا*. تهران: حوزه هنری.